

نقش حس مکان در مطلوبیت فضای اقامتی کودکان بی سرپرست

حدیث جعفری^۱، منصوره رضاسلطانی^{۲*}

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه، فیروزکوه، ایران

Su_jafari@yahoo.com

۲- استادیار گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه، فیروزکوه، ایران

Soltani@iaufb.ac.ir

⋮

چکیده

امروزه مفاهیمی چون حس مکان و دلبستگی به مکان در ادبیات معماری و شهرسازی به ویژه در حوزه مطالعات محیطی بسیار مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. مقاله حاضر به تعریف مفاهیم حس مکان، فضای اقامتی کودکان بی سرپرست و بررسی عوامل تاثیرگذار بر آنها می پردازد. امروزه به دلایل مختلف، کودکان بسیاری بدون سرپناه متولد می شوند. این کودکان نیازمند مکانی هستند که در آن علاوه بر سکونت، به رابطه مناسب محیط مورد نظر با نیازهای آنان اهمیت ویژه ای مبذول شود. یکی از موارد مهم فضایی است که کودکان در آن رشد می کنند. فضا و محیط هم در پرورش جسمی و هم در رشد و بالندگی روحی- روانی کودکان تاثیرگذار هستند. از آنجایی که «حس تعلق» به عنوان یکی از مهم ترین معیارهای کیفیت فضای معماری مطرح است، با در نظر گیری تمام ابعاد تشکیل دهنده حس تعلق، که با یک دسته بندی کلی شامل عوامل درون فردی و برون فردی می باشد این مقاله سعی دارد با در نظر گرفتن عوامل تاثیرگذار بر حس مکان، در مطلوبیت فضای اقامتی کودکان بی سرپرست و در نتیجه در روند بهبود فضای زندگی آنها گامی به جلو بردارد. نتایج حاصل، با تأکید بر عامل مؤثر امنیت نشان می دهد که افزایش امنیت در فضای زندگی این کودکان می تواند در ارتقاء حس رضایتمندی آنان از محیط مؤثر بوده و در نتیجه بر مطلوبیت فضا بیافزاید.

واژه‌های کلیدی: حس مکان ، مطلوبیت فضا ، مراکز مراقبت شبانه روزی ، کودکان بی سرپرست

۱- مقدمه

در عصر حاضر، جامعه ما و البته بسیاری از جوامع دنیا با یک دشواری و معضل بزرگی به نام کودکان بی سرپرست یا بد سرپرست روبرو هستند. کودکان بی سرپرست یا بد سرپرست به کودکانی گفته می شود که والدین خود را بر اثر حوادثی همچون تصادفات رانندگی یا مرگ از دست داده اند یا دارای والدینی هستند که رفتار مناسبی با فرزندان خود ندارند (فرهنگ، ۱۳۸۳). این کودکان واقعیت تلخ جامعه هستند که به دور از مهر و محبت و تربیت والدین قرار می گیرند و همین دوری از مهر و محبت، تأثیرات منفی زیادی بر آنها داشته است. زیرا انسان وقتی یک گام در جهت رشد شخصیت خود برمی دارد، نیازهایی از قبیل تعلق داشتن و نیاز به تحسین و محبت دارد، در حالی که کودکان بی سرپرست از این نیازها پاسخی دریافت نمی کنند و دچار بحران ها و آسیب هایی می شوند که به واسطه نبود خانواده ایجاد شده و آن ها را قربانی خود ساخته است (بابایی، ۱۳۶۹). پژوهش های انجام شده نشان می دهد که سال های اولیه زندگی کودک در شکل گیری شخصیت او نقش به سزایی دارد. بخش زیادی از هویت در سنین اولیه کودکی شکل می گیرد و دستیابی به هویت، سبب کاهش اضطراب و رسیدن به عزت نفس در کودک می گردد. از اینرو محیطی که کودک در آن رشد می یابد داری اهمیت در تعاملات و دلبستگی های وی می باشد. پیرامون موضوع کودکان بی سرپرست با سئوالاتی از این قبیل مواجه هستیم:

-عمده ترین مشکل کودکان بی سرپرست و پیامدهای آن در محیط پرورشگاه چیست؟